

یاری حقیقی فلسطین در حرکت ارتش‌ها برای آزادی‌سازی آن است و هر راه‌حلی که مسلمانان را از این مسیر منحرف سازد، تعریف حقیقت‌ها و ضایع کردن قضیه فلسطین است. امروز، نیروهای کفر همانند همان دشمنان دیروزند؛ آنان تنها توان رویارویی با یک نبرده را داشته‌اند، پس از آن با خواری شکست خوردند. حقیقت، سر آغاز سقوط صلیبی‌ها بود و عین جلاوت، نقطه فروپاشی صلیبان و انسان نیز چنین‌اندا؛ یک نبرده سرنوشت‌ساز کافی است تا بنیان‌شان را درهم گویند و موجودیت‌شان را در هم بشکنند و هم‌پای این‌ها به‌دست شماست، ای مسلمانان! «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهِ مَعَكُمْ وَلَنْ يَفُوكُمْ أَفْعَلُكُمْ» «و شما برترید و الله با شماست و هرگز پاداش اعمال‌تان را نپسند نخواهد کرد»



پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی گوید

چهارشنبه ۱۰ شوال ۱۴۴۶ ه، ۹ آوریل ۲۰۲۵ م ۲۰ فروردین ۱۴۰۳ ه.ش

در این شماره می خوانید:

حکام سرزمین‌های اسلامی در خدمت دشمنان دین (رزمایش‌های اینوخوس ۲۰۲۵)...

حزب ایران در لبنان و ادعای بازگرداندن توانمندی هایش؛ اما کار از کار گذشته است...!

تنش میان الجزایر و فرانسه؛ چرا و به کجا می‌انجامد؟...

تشی ره را به محتسب و بی‌پایه ای که فرانسه برای سوریه ادعا می‌کند طراحی کرده است...!

جنایات یهود در کرانه باختری؛ نسل‌کشی، سرکوب، کوچ اجباری و سستی مسلمانان...!

روزنامه سیاسی هفتگی

شماره: ۵۴۲ تعداد صفحه: ۴

مقاله برگزیده

حقیقت تنشی میان مصر و رژیم یهود

استاد سعید فضل

در سایه تجاوز رژیم غاصب به اهلان در غزه، اخیراً موجی از تنش رسانه‌ای و سیاسی میان نظام مصر و رژیم یهود بالاگرفته است. بر سر آنچه روزنامه‌های عبری آن را «حرکات تحریک‌آمیز مصر» علیه پیمان کمپ‌دیوید خوانده‌اند. روزنامه عبری دیوید آهاروت گزارش‌هایی منتشر کرده که در آن‌ها از نگرانی فزاینده در محافل نظامی میهنیستی نسبت به اقدام ارتش مصر در ساخت زیرساخت‌های نظامی در سینا سخن گفته‌شده و این اقدامات را نقض ضمیمه امنیتی توافق‌نامه صلح دانسته‌اند.

حتی کار بهجایی رسیده که وزیر جنگ رژیم یهود، یسرائیل کنتس، رسماً از آمریکا خواسته تا برای واداشتن قاهره به تخریب این تاسیسات فشار وارد کند؛ درخواستی که به گزارش‌هایی از سوی آنچه به «نیروی چندملیتی ناظر» معروف است، استناد کرده است. رژیم یهود در این میان، تنها از جاسوسی علیه مصر ابراهیم ندارد؛ بلکه در ارسال اطلاعات و حتی ابانت مستقیم به ارتش و حاکمیت مصر نیز شرم نمی‌کند. اما در ساخت زیرساخت‌های نظامی از زمان امضای توافق‌نامه کمپ‌دیوید عملاً به منتقله‌ای غیرنظامی تبدیل‌شده که تحت نظارت نیروهای آمریکایی قرار دارد و ارتش مصر تنها با همکاری با رژیم یهود اجازه دارد نیروهایش را در آنجا مستقر کند. آیا واقعاً باورکردنی است که همین نظامی که از آب‌های نیل، جزایر تیران و منافقین گذشته کرده، ناگهان به مقابله با اراده آمریکا و رژیم یهود برخاسته باشد؟

اظهاراتی که از سوی مطبوعات عبری منتشر می‌شود و ادعاهایی در مورد «حرکات تحریک‌آمیز مصر» با مطرح می‌کند. چیزی جز ابزارهای فشاری در چارچوب بازی مذاکره و باج‌گیری سیاسی نیست؛ هدف از آن یا تمهیل امنیتی یا بیشتر به دشمن است یا اهداف سیاسی افکار عمومی برای پذیرش تسلیم بیشتری است.

خطرناکتر از همه این‌ها نظام مصر، بجای پاسخ به این ادعاهای با موضوعی در شان یک کشور دارای حاکمیت، به سکوتی خفتناک ادامه می‌دهد؛ سکوتی که با بی‌توجهی عمده‌انه به احساسات مردمی مصر همراه است که هنوز شهادت سربازان مصری در مرزها به‌دست آتش اشغال‌گران را از یاد نبرده‌اند و به آن تنها با بهانه «اشتباهات غیرعمدی» بسنده شده است!

و وضعیت نمی‌تواند ادامه یابد و نباید از سوی فرزندان این امت که در دل خود غیرت اسلامی و عقیده جهاد و وفاداری به الله سبحانه و تعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دارند، پذیرفته شود. چراکه نبرده با یهود، نبرده بر سر مرزها نیست؛ بلکه نبرده دوپونید است و توطئه‌های آنان تنها فلسطین را هدف نگرفته، بلکه تمام موجودیت سیاسی را که در هر رباهی حقیقی از سلطه قرار داده است، هدف قرار داده است.

از این‌رو، هرگونه تغییر حقیقی باید ریشه‌های باختر؛ تغییری که ریشه‌های وابستگی را بشکند و قدرت متمم‌گیری روده‌شده را به امت بازگرداند و امت را در مسیر آزادی کامل از نفوذ استعمار، زیر پرچم خلافت راشدین به منبج نبوت قرار دهد؛ خلافتی که امت را متحد کند، توانایی‌هایش را بسپرد و شکرش را به حقانیتش برای آرداسازی سرزمین مبارک به حرکت درآورد، نه این‌که در بند پیمان‌های تنگن و عادی‌سازی باقی بماند. پس هر کس خواهان پایان دادن به خفت، نجات فلسطین و بازگرداندن عزت مصر است، باید همراه با کسانی باشد که برای برپایی خلافت راشدین به منبج نبوت کار می‌کنند؛ خلافتی که ریشه‌هایش را آزاد می‌سازد، ارتش‌ها را بر پایه عقیده بازمی‌باز می‌کند. این توافق‌نامه‌های خانانه را فروم‌ریزد و برای آرداسازی مسجدالاقصی بهمی‌شود.

آیا زمان آن نرسیده که خمشی که در سینه‌ها به جوش آمده است، به عکس‌العمل حقیقی برای تغییر تبدیل شود که از فریاد و شکیلیت فراتر رفته، به پیش‌قدمی و حرکت بپوشاند؟ آیا اکنون همان زمانی نیست که امت باید بر وضعیت موجود شوریده، زنجیرهای ترسی را که در دهان‌ها و در گلوگاه داشته، بشکند؛ بی‌تردید، دشمنان و همکاران که شاهد کشتارهای روزانه در غزه‌اند و با پهلای خود سکوت رژیم‌ها، بلکه همدستی آن‌ها را می‌بینند، درمی‌یابند که تکلیف خودت‌ها می‌بایست به امت است و وظیفه، ایجاب می‌کند که حرکت مردمی سازمان‌یافته‌ای آغاز شود؛ حرکتی که از مساجد، میدان‌ها و دانشگاه‌ها برخیزد و در پانگناها را بگوید و از ارتش‌ها مطالبه اقدام فوری برای آرداسازی مسجدالاقصی و شکستن محاصره را داشته باشد.

تشکیل دولت جدید در سوریه میان آرمان‌های اهل شام و کمین آمریکا و غرب

استاد ناصر شیخ عبدالحی



در تاریخ ۲۹/۳/۲۰۲۵، در کاخ ملت در دمشق، از ترکیب دولت جدید سوریه پرده‌برداری شد که شامل ۲۳ وزیر، سوز مدیر سازمان منع سلاح‌های شیمیایی به‌مناسبت اعلام از جمله یک زن بود. رئیس‌جمهور سوریه احمد الشرحه ترکیب دولت جدید سوریه دریافت کرده بود، درحالی‌که گفت‌وگوها با سازمان ملل و سازمان همکاری و شفافیت بازمی‌آورد. همچنین بر اولویت دولت در کار ما در ساختن یک دولت جدید است. وی در سخنانی در مراسم اعلام دولت جدید افزود که سوریه با چالش‌های بزرگی روبرو است که نیاز به همبستگی و وحدت دارد و تأکید کرد که اولویت دولت جدید مبارزه با فساد است و تلاش خواهد کرد نهادهای دولتی را بر اساس پاسخ‌گویی و شفافیت بازسازی کند. همچنین بر اولویت دولت در کار ما در ساختن «ارتش ملی» که امنیت سوریه را حفظ کند، تأکید کرد.

این ترکیب با استقبال، بی‌وفوع و انتقاد متفاوت بود. درحالی‌که موضع آمریکا نسبت به دولت جدید سوریه در ماه‌های اول، تردید قرار دارد، باوجود استقبال جزئی و مشروط آن، خبرگزاری رویترز فهرستی از شروطی را منتشر کرد که تاکنون فرانسیسکی، معاون وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک و سوریه، به وزیر خارجه سوریه، اسعد الشیبانی، برای کاهش تحریم‌ها علیه سوریه ارائه کرده است. این دیدار به‌صورت مستقیم در حاشیه اجلاس اهداکندگان برای سوریه در بروکسل، در تاریخ ۱۸ مارس گذشته برگزار شد و در رأس این خواسته‌ها همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم، اطمینان از عدم حضور بیگانگان در مناصب عالی ساختارهای حکومتی کشور و نابودی هرگونه ذخایر باقی‌مانده از سلاح‌های شیمیایی قرار داشت. به‌هفته گزارشی از خبرگزاری رویترز به تاریخ ۲۵ مارس گذشته به نقل از مقامات آمریکایی، آمریکا در صورت اجرای تمام شروط توسط دمشق، به کاهش بیشتر تحریم‌ها، صدور معافیته جدید و تعریف وجود یک دوره رئیس‌جمهور پیشین جو بایدن مادرشده بود، متعهد خواهد شد.

حزب التحریر هلند؛ راهپیمایی در آمستردام «جنبش برای غزه»

بر برابر کشتارهای وحشیانه (بازگشتی) که بیش از ۱۷ ماه است به‌صورت مستمر ادامه دارد و به‌دست رژیم جایت‌کار یهود علیه مسلمانان برده‌اند در نوار محاصره‌شده غزه صورت می‌گیرد جانیاتی که تاکنون به شهادت رخصی‌شدن بیش از ۱۷۰ هزار مسلمان انجامیده است؛ حزب التحریر هلند، پس از آن‌که رژیم جایت‌کار یهود توافق آتش‌بس را نقض کرد و بار دیگر عملیات قتل هدفمند مسلمانان برده‌اند از آن‌که بیشترشان زنان کودکان و سال‌خوردگان‌اند، از سر گرفت، در پایتخت هلند، آمستردام، راهپیمایی و تجمع مردمی برگزار کرد. این تجمع در روز یکشنبه، ۸ شوال ۱۴۴۶ هجری قمری، برابر با ۹ آوریل ۲۰۲۵ میلادی، تحت عنوان:

- «جنبش برای غزه»؛
- نکات محوری این برنامه عبارت بودند از:
- واداشتن علما، افراد موثر و نهادهای اقدام جمعی برای فشار بر ارتش‌های کشورهای اسلامی و مطالبه از آنان برای حرکت به‌سوی آرداسازی سرزمین مبارک (فلسطین)؛ چراکه این وظیفه شرعی آنان است و نباید در برابر آن سکوت کرد.
- درهم‌شکستن مرزهای ملی؛ چراکه مسئله سرزمین مبارک (فلسطین)، مسئله‌ای اسلامی است، نه ملی.
- همچنین تبیین واقعیت مردمی‌های مسعودی‌ای است که اسرائیلگر کافر بر ما تحمیل کرده تا ما را نتوان و تعریف نگاه دارد.
- هیچ عدلی برای حکام و رهبران کشورهای اسلامی وجود ندارد؛ نباید از آنان دفاع کرد، بلکه وظیفه است که آنان را ملزم به قطع وابستگی‌شان به آمریکا و رژیم یهود کرد؛ چه این وابستگی سیاسی باشد، چه اقتصادی و چه نظامی.
- راه‌حل در دستان خود ماست، به‌معنای یک امت اسلامی واحد. نمی‌توان از نهادهای بین‌المللی که خود بنیان‌گذار این رژیم بوده‌اند، انتظار عدالت و انصاف داشت؛ و نباید قریب راه‌حل‌های خیالی را خورد.

جریان مسمومی که یهود، آمریکا و مزدوران‌شان به آن دامن می‌زنند

در رویدادی که‌سابقه و جلب توجه‌کننده، نماینده منتزعه عساکر، ولید العبرینی، در حساب خود در پلتفرم ایکس (X) توییتی منتشر کرد که در آن آمده بود: «عادی‌سازی روابط با دشمنان، با مزایای فزاینده و شعاع‌های توانایی حل می‌شود. آری به عادی‌سازی اگر ما را از تجاوزها محافظت کند، آری به عادی‌سازی اگر زمین‌مان را بازگرداند و تضمین کند که اشغال نباشد، آری به عادی‌سازی اگر به لبنان صلح و شکوفایی بخشد که سال‌هاست از آن محروم بوده‌ایم. آری به عادی‌سازی و نه به مخالفت با سپرهای عربی، در رأس آن مسیری که عربستان رهبری می‌کند... در پی آن، دفتر مطبوعات حزب التحریر در ولایت لبنان در بنیانهای مطبوعاتی اعلام کرد: این اظهارات، سخنانی منکر و باطل‌اند که کمترین توصیف آن همین است. مسلمانان هرگز آن را نمی‌پذیرند و به‌هیچ‌وجه نماینده آنان نیست. تنها کسانی آن را می‌پذیرند که خواهان تلفیق‌گویی فرغت‌انگیز در آستانه سفرات‌های نظام‌های هستند که برخی از آن‌ها را نماینده نام برد و از ذکر برخی دیگر خودداری کرد...»

بنیانه افزود: مسلمانان در لبنان که بخشی از امت اسلامی‌اند، همانند دیگر مسلمانان در اقصی نقاط جهان، این رژیم را هرچند باقی‌ماندندش به درازا کشد، رژیم جایت‌کار می‌انند که جایت‌هایش تنها به فلسطین محدود نبوده، بلکه مسلمانان در لبنان، سوریه و دیگر بلاد اسلامی را نیز دربر گرفته است؛ رژیم‌ها که مظهر خیانت و بی‌انگیزگی است و نه صلحی با آن وجود دارد، نه مذاکره‌ای و نه آشتی‌ای، بلکه تنها زینت قابل‌فهم برای او، زین قدرت است تا نابود شود. این چیزی است که مسلمانان آن را درک کرده و به فرزندان‌شان آموزش می‌دهند. هرکسی که میان فرزندان مسلمانان، چه حاکم باشد، چه نماینده یا سیاستمدار، از این فهم و باور این امت در این مسئله خارج شود، در حقیقت از باور و درک کامل فاصله گرفته است. امت بارها و بارها چشم و بیزارگی خود را از کسانی که این مسیر را می‌پیمایند، از نخستین گام‌های عادی‌سازی که انور سادات هلاک‌شده، در دهه هشتاد قرن گذشته برداشت تا به امروز، ابراز داشته است.

بنیانه افزود: ما عموم مسلمانان به‌ویژه علمای آنان را فراموش نمی‌کنیم که در برابر این مکر سکوت نکنند و در برابر شیخ‌ها و ماجران آن، بدون توجه به جایگاه‌های حکومتی یا مناصب سیاسی‌شان، ایستاد و با ما در مقابله با آنان همراه شوند؛ زیرا مسئله فلسطین برای مسلمانان، فراتر از هر عامله‌ای است و دشمنی با یهودی‌بازتر از هر ملاحظه‌ای است؛ این مسئله است که بقصدتی و التزامی و تنها اهل نفاق و سستی از آن خارج می‌شوند. «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهِ مَعَكُمْ وَلَنْ يَفُوكُمْ» «و شما برترید و الله با شماست و هرگز شما را از سر نخواهد گذشت که آنان را به عادی‌سازی و اجتناب از آن‌ها مجبور کردیم» «و این‌ها همانا پروردگارت سربر خفت‌ها و عقاب و آن آمزنده مهربان است.

همانا آهن را جز آهن نمی‌برد

همانا کافر، در رأس آن آمریکا و رژیم یهود، ارادانه در سرزمین‌های مسلمان می‌تازد و می‌خزد، می‌کشد و آواره می‌سازد، ترش‌هوا را غارت می‌کند و همه گناهان کبیره را مرتکب می‌شود، زیرا می‌داند که سرزمین‌های مسلمانان را نه نگهبانی هست، و نه حامی‌ای که از آن دفاع کند. او به‌جوشی آمده است که اقداماتی که در برابرش انجام می‌گیرد مانند حملاتی که از این اعلام می‌شود حتی پیکلی از دهم برابر آنچه توطئه از آن‌ها می‌سازد، ارتش‌ها را بر پایه عقیده بازمی‌باز می‌کند. این توافق‌نامه‌های خانانه را فروم‌ریزد و برای آرداسازی مسجدالاقصی بهمی‌شود. آیا زمان آن نرسیده که خمشی که در سینه‌ها به جوش آمده است، به عکس‌العمل حقیقی برای تغییر تبدیل شود که از فریاد و شکیلیت فراتر رفته، به پیش‌قدمی و حرکت بپوشاند؟ آیا اکنون همان زمانی نیست که امت باید بر وضعیت موجود شوریده، زنجیرهای ترسی را که در دهان‌ها و در گلوگاه داشته، بشکند؛ بی‌تردید، دشمنان و همکاران که شاهد کشتارهای روزانه در غزه‌اند و با پهلای خود سکوت رژیم‌ها، بلکه همدستی آن‌ها را می‌بینند، درمی‌یابند که تکلیف خودت‌ها می‌بایست به امت است و وظیفه، ایجاب می‌کند که حرکت مردمی سازمان‌یافته‌ای آغاز شود؛ حرکتی که از مساجد، میدان‌ها و دانشگاه‌ها برخیزد و در پانگناها را بگوید و از ارتش‌ها مطالبه اقدام فوری برای آرداسازی مسجدالاقصی و شکستن محاصره را داشته باشد.

تنش میان الجزایر و فرانسه؛ چرا و به کجا می‌انجامد؟

دکتر اسعد الجیلی

پرونده مهاجران الجزایری مقیم فرانسه به‌صورت غیرقانونی، بر شدت تنش در روابط میان فرانسه و الجزایر افزوده است؛ چراکه الجزایر از پذیرش این افراد خودداری کرده و همین مسئله وزیر کشور فرانسه، رونو روتایو را بر آن داشت تا بار دیگر تهدید به لغو توافق‌نامه‌ای کند که کشورش در سال ۱۹۶۸ با الجزایر امضا کرده بود؛ با وجود این‌که این توافق‌نامه در طول زمان دستخوش اصلاحاتی شد که بسیاری از امتیازات مرتبط با مهاجرت و اقامت الجزایری‌ها در محدوده ساحت فرانسه است. پیش‌تر، نخست‌وزیر فرانسه، فرانسوا باپرو، در پایان ماه فوریه تهدید کرده بود که در صورتی‌که الجزایر در مدت شش هفته با بازگرداندن شهروندانش که به‌صورت غیرقانونی در فرانسه حضور دارند موافقت نکند، این توافق‌نامه را لغو خواهد کرد.

اطهارات روتایو پس‌از آن مطرح شد که پاریس یک فرانسوی‌ال‌الجزایری است را به ارائه اطلاعات مرتبط درباره مخالفان الجزایری مقیم فرانسه به دستگاه اطلاعاتی الجزایر متهم کرد.

این تهدیدات هم‌زمان شد با اعتراض الجزایری به تصمیم قوه قضائیه فرانسه مبنی بر درخواست استرداد وزیر پیشین صنعت، معدن و صنایع معادن کشورش به پرونده‌های بزرگ فساد و اختلاس در دوران ریاست‌جمهوری عبدالعزیز بوتفلیقه متهم است و در سال ۲۰۱۹، هم‌زمان با آغاز بررسی این پرونده‌ها که منجر به برکناری شماری از مقامات عالی‌رتبه شد، الجزایری به فرانسه گریخت.

از سوی دیگر، فرانسه نیز به بازداشت نویسنده فرانسوی‌ال‌الجزایری، پوالم منصل، اعتراض کرده؛ کسی که از ۱۶ نوامبر ۲۰۱۴ به‌مسیر می‌برد، به‌سبب اظهاراتی که در فرانسه بیان کرد. او گفته بود که «بخش‌های بزرگی از غرب الجزایر به مرگش تسلط دارند» و این‌که سران استعمار فرانسه «سبب جادویی این مناطق شده و در این کار دچار حماقتی تاریخی شده‌اند». همچنین گفته بود که گروه پولیساریو که دوامان استقلال محرابی غربی آن مرگش است، «ساخته الجزایر است برای فریز کردن به ثبات مرگش». بحران منصل، هم‌زمان با بحران نویسنده فرانسوی‌ال‌الجزایری به نام کمال داوود شکل گرفت.

شاید ماجرای منصل بدون ایجاد تنش بیشتر میان فرانسه و الجزایری می‌گذشت، اگر نبود آنچه رسانه‌های فرانسوی به امانول ماکرون نویسنده مینی بر این‌که به نسبت به بازداشت نویسنده رمان مشهور «روستای آلمانی» (منتشرشده در سال ۲۰۰۸) ابراز تنگناری کرده و تصمیم دارد برای آزادی او، با مقامات الجزایری ابرازینگی کند.

روابط میان دو کشور از تابستان گذشته به‌دفعه پرتنش بوده؛ زمانی‌که الجزایر سفیر خود را از پاریس فراخواند، در اعتراض به حمایت فرانسه از طرح دوهمتاری مرگش در منقحه سرتاری غربی، در آن هنگام، الجزایر از تشکیل «اتحاد میان استعمارکهن و استعمار نو» تقدیر کرد که مقودش دو کشور فرانسه و مراکش بود. در حالیکه روابط دیپلماتیک میان پایتخت‌های این دو کشور مغرب عربی، از سال ۲۰۲۱ تاکنون به‌طور رسمی قطع‌شده است.

این اختلافاتی که عمدتاً بر محور پرونده‌های حافظه تاریخی، جنایات استعمار، همکاری‌های امنیتی و مهاجرت می‌چرخند، به نظر نمی‌رسد که علت اصلی تنش موجود میان دو کشور باشند؛ چراکه در پرونده مهاجرت، برای نمونه، پذیرش سفیر خارج از سوی الجزایری از خاک فرانسه، برابر با پذیرش آن در کشورش، دیگری مانند مراکش و تونس است. افزون بر آن، پیش‌کننده این پرونده، جریان راست افراطیست که دشمن دیرینه مهاجران به‌شمار می‌آید و همین امر رئیس‌جمهور الجزایر، عبدالعزیز تبون را بر آن داشت تا در اظهاراتش در روز شنبه ۲۲ مارس در شبکه‌های الجزایری، از اهمیت این تهدیدات بکاهد. او گفت: «آتشکده شدید و هیبایی می‌تهدیدت در فرانسه طول اختلافی که به‌طور کامل ساختگی است، جریان دارد» و افزود: «ما رئیس‌جمهور ماکرون را تنها مرجع من‌الدیم می‌دانیم».

با هم همکاری نمی‌کنیم. در مورد سفر سنسوان رسمی فرانسه به سرزمین‌های صحرائی الجزایر آن‌ها را اشغال‌شده از سوی مراکش می‌دانند. تبون توضیح داد که این بازدیدها «تحریک‌آمیز نیست» و ادامه داد: «مسئله سالداهون نیستیم، کاملاً می‌دانیم که سالداهون دوهمتاری، ابتدا سیدگاه فرانسه بوده، پیش از آن‌که همسایگان‌مان در سواحل مغرب آن را بر عهده گیرند» و افزود: «فرانسه و مراکش کاملاً با یکدیگر هماهنگ هستند و این موضوع ما را آزار نمی‌دهد. اما مشکل در نوع نمایش و به خرج‌شدن آن است؛ امری که سازمان ملل و مشروعیت بین‌المللی را آزار می‌دهد».

ملتها از سر سو بر شما هجوم آورده‌اند، پس شما چه خواهید کرد؟!

ای مسلمانان! درد ما بسیار شدید است و تمام جهان می‌بیند آنچه را که یهود و متحدانشان در کافر، از کشتارهایی که در حق برداران‌مان در غزه سرزنند انجام می‌دهند و چنانچه که پیشانی بشریت از آن شرمناس می‌شود و درد ما شدیدتر از آن است که این جنایت را با چشمان خود می‌بینیم. درحالی‌که ارتش‌های امت اسلامی همچنان در جای خود سنان‌اند و هیچ حرکتی برای پاری براندگان مستضعفان انجام نمی‌دهند، در فریاد زنان داغ‌زده و نه‌تالنه کودکان، خواب از چشمانشان می‌پرد! آیا سستی و فروری‌شان به این اندازه رسیده است؟

ای امت اسلام! ای اهل قدرت و شوکت! امروز، روز شمامت و این لحظه، لحظه تصمیم است تا روشن کنید که در کدام صف ایستاده‌اید، صف ایستاده‌ای که در آن فرمان‌برداران و پادشاهان می‌نشینند، آنجا که فرمود: «استغفرمک فی الدین فلیکرم اللعنه» به سبب دیدنشان از شک و غمگینی، از جای خود استند، کمک و یاری بر شما واجب است! آیا صف جانباز گفته پروردگار در روز قیامت خود، «فوالقوا ربنا انما افنا ساداتا وکثرا انما فاضلونا السبیل» «و می‌گویند: پروردگار! ما از سران و بزرگان خود پیروی کرده‌ایم و آنان ما را از راه به در برده‌اند و کمراه کرده‌اند». بدرستی پداینده دشمن‌تان هرگز جزات چنین جنایت هولناکی را نمی‌داشت، اگر شما سلطه و دولتی در اختیار داشتید. پس امت اسلام، آستین هم‌ت را بالا بزن و به‌سوی عمل آن کسانیکه برای برپایی خلافت تلاش می‌کنند، شتاب گیر؛ همان دری مستحق برای امت و تاجی بر سر فرایش پروردگار هفتایان.

ادامه: تشکیل دولت جدید در سوریه میان آرمان‌های اهل شام...

همچنین تظاهر به دلسوزی برای طوایف و تلاش برای اعطای نقش مؤثر به آنان در حکومت و اصرارش بر آن‌که شام در بند مفاهیم ملی‌گرایی منقور باقی بماند، برای تثبیت و استمرار سلطه غرب بر سرزمین‌های اسلامی است.

پس هر دولتی که پس از سقوط است تشکیل شود، باید بازتاب‌دهنده آرمان‌های اهل شام باشد و برای اجرای اصول ثابت انقلاب‌شان که ریشه‌اش با خون آبیاری شده، تلاش کند؛ نه این‌که غرب بر ما سلطه داشته باشد و آنچه باید انجام دهیم یا دشمن را به ما دیکته کند؛ غربی‌کی می‌کوشد با استفاده از مسئله اقلیت‌های قومی و جلب آنان به‌سوی خود، منافعش را تأمین کند نه منافع آنان را.

سور، حامیان انقلاب، یقیناً شایستگی اعتماد را نایب کرده‌اند. آنان‌اند که انقلاب، اصول ثابت آن و آرمان‌های مردم را در تمام بحران‌ها حفظ کرده‌اند. این حامیان، نیروی فزاینده و تک‌بگانه طبیعی هستند که باید بر آن‌ها تکیه شود و حتی اندیشه تکبیرب گسائی که از میان نظام‌ها و کشورها که ما می‌هستند، در ذهن‌ خطور نکند. عربده‌کشی رژیم یهود در غزه و شام، منتهای دور از ما نیست، بلکه با چراع سبز و یک‌پوش کامل آمیزگی صورت می‌گیرد.

در پایان، باید یادآور شد که تنها چیزی که در خور فداکاری‌های بزرگ انجام‌شده و خون‌های پاک است که بر خاک شام ریخته شد، اقدار اسلام در چارچوب دولتی با عزت، قدرت و احترام است، دولتی امور مردم باید بر اساس احکام اسلام باشد. نه بر اساس قوانین غربی بیگانه با دین، امت، هویت، فرهنگ و تمدن ما و نه این‌که تحت‌فشارهای غرب و دیکته‌های آن و رویکردهای دست‌نمناش نسبت به اسلام باشد و او را چارچوب دولت به داور بنماییم. فراموش نکنیم هشدار وزیر خارجه آلمان در دمشق را که گفت: اروپا ساختارهای اسلامی را تأمین مالی نخواهد کرد و نیز دربارهای برپایی «دولت اسلامی» پس از سقوط اسد هشدار داد. همچنین نباید شروط علنی و غیرعلنی آمریکا برای رضایت از حکومت در دمشق را از یاد ببریم. این همان آمریکاست که همه وزن خود را به‌کار گرفته تا حکومت در سوریه سکولار باشد و در آن برای اسلام و احکامش جایگاه نباشد، بلکه در آن، اسلام از حکومت و دولت کنار گذاشته شود. این آمریکا است که می‌کوشد در قدرت جدید، مردان و ابزارهای خود را جای دهد تا آرایش خاطر باید و نیز به امنیت و سلامت عزیز خود، یعنی رژیم یهود، اهتمام دارد.

ادامه: حقیقت تنش میان مصر و رژیم یهود...

در اینجا، مهم‌ترین پرسش مطرح می‌شود: آیا سرباز مصری همچنان اسیر دستوراتی باقی خواهد ماند که از سوی نظام‌های صادر می‌شود که مشروعیت خود را از دست‌داده‌اند و در آغوش دشمن فروافتاده‌اند؟ یا این‌که غیرت اسلامی، وقیفه مصری و عقیده راستخیز، او را به شکستن طلقه ماصصره و یاری‌رساندن به برادران مستضعفش در غزه و خواهش‌ها داشت؛ همانانی که زیر آوار فریاد می‌زنند و از بازماندگان روح سربازی و مردانگی استمداد می‌طلبند؟ دیگر جایی برای تأخیر باقی نمانده است؛ خون شهدا ندا می‌دهد، قدس به فریاد آمده و جنایتکار یهودی میان سرباز و کودک، میان مصری و فلسطینی، تقاروتی نمی‌دهد. پس شما کجا‌باید ای‌فرزندان سرزمین کثانه از وصیت رسول‌الله، صلی‌الله‌علیه‌وسلم که فرمودند: «اسیر را آزاد کنید، گشته را سیر سازید و پیام را عیادت بنمایید». همانا راست گرفتن اعدامات پیامر به یهود مصر، صرفاً تحریک سیاسی یا مانور رسانه‌ای نیست، بلکه آرمونی واقعی است برای سنجش میزان پیاداری امت، سطح آگاهی ملت‌های آن و آمادگی‌شان برای دره‌ن‌شکستن سد ترس و تسلیم‌یکه رژیم‌های دست‌نمناشدی برای عهده‌ها در آنان نهادینه کرده‌اند. این آرمونی برای عزت است و هویت است و نیز سنجشی برای توانایی روح تمایز نهادن میان دشمنی خارجی که قتل و تجاوز را پیشه ساخته و نظامی داخلی که مزیت‌ها را پیاس می‌دارد و از خیزش ملت برای تبدیل‌شدن به کنشی تأثیرگذار جلوگیری می‌کند. یا امت از خواب غفلت بیدار می‌شود و در راه یادگان‌ها در حرکت‌های آگاهانه به پا می‌خیزد و ارتش‌ها را به خروج از دایره تسلیم واداشته، در میدان نبرد آرای وارد می‌کند؛ یا روند فرسایش و زوال ادامه خواهد یافت، منتهای در جغرافیا، بلکه در معنا تا آنجا که از حاکمیت جز نامی باقی نماند و از دولتها جز پوسته‌ای و از عزت‌جن خاطراتی دور.

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»

در سایه سرایم‌داری، بشریت به‌طور عام و امت اسلامی به‌طور خاص، همچنان در تنگی و فلاکت، پراکندگی و سرگردانی به‌سر خواهد برد؛ اما اگر بخواهد زندگی عزتمند، پیروز، توانمند، همراه با گشایش در معیشت، برتری در رفتار، والایی در ارزش‌ها و اخلاقی نیکو را تجربه کند، چاره‌ای ندارد جز بازگشت به سرچشمه عزت، نمودار شکوه و کرامت و عظمت خود؛ یعنی دین پروردگارش که او برایش پس‌سنجیده است، «وَرُؤْيُتِ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِيْنًا» و اسلام را به‌منوان آئین خداپسند برای شما برگزیدم.

درد بر فراوق امت، خلیفه راشد عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه که سخن فرمود: «ما مردمی هستیم که الله سبحانه‌وتعالی ما را به‌سوی اسلام عزت بخشید و اگر عزت را از غیر آن بجوییم، الله سبحانه‌وتعالی ما را خوار خواهد ساخت» و الله سبحانه‌وتعالی نیز می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» «هر کس خواهان عزت است، همانا عزت همه از آن الله سبحانه‌وتعالی است».

این تحقق بخواهد یافت، جز با کار جدی و خالصانه با کسانیکه که برای برپایی خلافت راشد بر منتهج نبوت تلاش می‌کنند و در آن هنگام، ارزش‌های شریف و آرمان‌های والای انسانی حاکم خواهد شد، جامعه از هرگونه پلیدی مصون خواهد ماند و امت از امنیت و آسایش بهره‌مند خواهد شد.

ای مسلمانان! درد ما بسیار شدید است و تمام جهان می‌بیند آنچه را که یهود و متحدانشان در کافر، از کشتارهایی که در حق برداران‌مان در غزه سرزنند انجام می‌دهند و چنانچه که پیشانی بشریت از آن شرمناس می‌شود و درد ما شدیدتر از آن است که این جنایت را با چشمان خود می‌بینیم. درحالی‌که ارتش‌های امت اسلامی همچنان در جای خود سنان‌اند و هیچ حرکتی برای پاری براندگان مستضعفان انجام نمی‌دهند، در فریاد زنان داغ‌زده و نه‌تالنه کودکان، خواب از چشمانشان می‌پرد! آیا سستی و فروری‌شان به این اندازه رسیده است؟

ای امت اسلام! ای اهل قدرت و شوکت! امروز، روز شمامت و این لحظه، لحظه تصمیم است تا روشن کنید که در کدام صف ایستاده‌اید، صف ایستاده‌ای که در آن فرمان‌برداران و پادشاهان می‌نشینند، آنجا که فرمود: «استغفرمک فی الدین فلیکرم اللعنه» به سبب دیدنشان از شک و غمگینی، از جای خود استند، کمک و یاری بر شما واجب است! آیا صف جانباز گفته پروردگار در روز قیامت خود، «فوالقوا ربنا انما افنا ساداتا وکثرا انما فاضلونا السبیل» «و می‌گویند: پروردگار! ما از سران و بزرگان خود پیروی کرده‌ایم و آنان ما را از راه به در برده‌اند و کمراه کرده‌اند». بدرستی پداینده دشمن‌تان هرگز جزات چنین جنایت هولناکی را نمی‌داشت، اگر شما سلطه و دولتی در اختیار داشتید. پس امت اسلام، آستین هم‌ت را بالا بزن و به‌سوی عمل آن کسانیکه برای برپایی خلافت تلاش می‌کنند، شتاب گیر؛ همان دری مستحق برای امت و تاجی بر سر فرایش پروردگار هفتایان.

نقشه راه بی‌محتوا و بی‌پایه ای که فرانسه برای سوریه ادعا می‌کند طراحی کرده است

استاد احمد الخطوانی

ریاست‌جمهوری فرانسه جزئیات آنچه را که «نقشه» در واقع، ترکیه همانند فرانسه، نقشی را در منطقه راه، ویژه سوریه نامیده شده، منتشر کرد؛ نقشه‌ای ایفا می‌کند که به او از سوی آمریکا واگذار شده و که با مشارکت سران فرانسه، یونان، قبرس، سوریه و لبنان تهیه شده و از طریق نشست پنج‌جانبه‌ای که هفته گذشته در پایتخت فرانسه، پاریس، برگزار شد، به آن دست‌یافته‌اند. رئیس‌جمهور سوریه، احمد الشریع، از طریق ارتباط وی‌دیوئی از راه دور در این نشست شرکت کرده بود.

این نقشه راه، شامل شش بند است: رفع تحریم‌ها علیه سوریه، ارائه حمایت اقتصادی به آن، رسیدگی به پرونده پناهجویان، ترسیم مرزهای دریایی، موضوع حاکمیت سوریه و تعهدات دولت سوریه برای اجرای شروط موردنظر.

در ظاهر، این نقشه راه، بر حمایت کامل از احترام به حاکمیت سوریه تأکید می‌ورزد، از جمله جلوگیری از نقض‌ها و مداخلات طرف‌های خارجی. در این راستا، خواستار خروج همه نیروهای خارجی از خاک سوریه شده، اما از بردن نام رژیم بعث، از سر ترس و ضعف، خودداری کرده است.

سران پنج‌گانه شرکت‌کننده در نشست، از گشایش مسیر جدیدی برای گفت‌وگو و بیرون رفتن سوریه استقبال کردند. آن‌ها خود را کشورهای همسایه سوریه در شرق مدیترانه نامند و هدف این است که مسیر را حمایت از روند گذار به‌سوی آنچه «سوریه‌های متحد، باثبات و سالم» نامیده شده، اعلام کردند.

فرانسه در این نقشه، به احمد الشریع چک سفید امضاء نداد و حتی تحریم‌ها را تنها شرط و به‌صورت اجزایی لغو کرده است؛ همچنین، از فشار اقتصادی‌ای که سوریه در اثر سال‌ها تحریم با آن روبه‌رو است بهره‌برداری کرد و شروطی را بر آن تحمیل نمود. بویژه در خصوص چگونگی برخورد با اقلیت‌های قومی و نژاد بر رفتار حکومت نسبت به آنان.

این نقشه همچنین بر حمایت خود از ترسیم مرزهای دریایی سوریه بر اساس قانون بین‌المللی دریاها تأکید کرده، به‌شرط آن‌که منافع «همسایگان» اروپایی یعنی یونان و قبرس یونانی رعایت شود. در این نقشه راه، به‌روشنی دیده می‌شود که ترکیه به‌طور کامل از مشارکت کنار گذاشته شده است.

آن‌که کشوری معزولی در موضوع سوریه و منطقه و از همسایگان آن به‌شمار می‌رود. کنار گذاشتن ترکیه، نشان از کوتاه‌بینی فرانسه در نگاه راهبردی‌اش دارد و نیز گواهی است بر شکست آن در تعامل با قدرت‌های قوی‌تر و مهم منطقه‌ای. تمرکز فرانسه بر یافته‌ها که از تأثیر فرانسه بیشتر است و این، یونان و قبرس یونانی، کشورهای حاشیه‌ای به‌جای ترکیه، نتجتاً نشان از دورپرسی و تکبر دارد، بلکه همچنین حکایت آن دارد که فرانسه همچنان در ذهنیت فرسوده سلطه‌جویی اروپایی باسر می‌برد.

این نقشه در واقعیت امروز، خود فرانسه و اروپا به‌دنبال آمریکا می‌دوند تا نقشی هرچند کوچک در مدیریت تحولات منطقه‌ای، آن‌هم در مناطقی که زمانی مستعمرات سلطه‌شان بودند، برای‌شان قائل شود. فرانسه فراموش کرده است که آمریکا و رژیم بعث بود و تنها دو کشوری هستند که در حال حاضر در منطقه، اقتدار ژئوپولیتیکی سوریه، لبنان و خاورمیانه را به‌دولت‌ها و حتی فرانسه و حتی اروپا، تعیین می‌کنند و نیز فراموش کرده است که ترکیه نیز می‌کوشد از راه از سر سرزمین شام و سوریه حمایت از آن در سوریه برای خود دست‌وپا کند.

حل بحران‌های اقتصادی، این است راه درست ای مسلمانان

در سایه نظام اقتصاد سرمایه‌داری تحریف‌شده‌ای که دولت‌های موجود در سرزمین‌های اسلامی آن را اجرا می‌کنند، بحران اقتصادی شدت می‌گیرد و دولتها از مهار گرانی روزافزون و از تأمین گروهی از کالاهای موسوم به راهبردی مانند گندم، سوخت، خدمات برق و غیره ناتوان می‌مانند و در هر بار که بحران شدت می‌گیرد، دولت دست به فریبکاری می‌زند تا مردم با بحران سازگار شوند، درحالی‌که گمان می‌رود دولتشان در تلاش برای رفع بحران است، پیش از آن‌که جمع بعدادی بحران فرار بسد و این روند ادامه دارد. زندگی مردم از یک سطح فالتک به سطح پایین‌تر سقوط می‌کند تا جایی که برای همان مرحله نسل‌خوردن، تانگی می‌شود؛ اما این سحر فریب که هر بار مردم را فریبده، چیست؟ این چیزی نیست جز یکی از اختلاط مثلی شوم که این سحر از آن خارج نمی‌شود: (تشکیل دولتی با بهره‌های جدید، یا برگزاری اجلاس، یا تشکیل کمیته‌ای).

بر این اساس، می‌گوییم: راه درمان بحران‌های اقتصادی، بلکه همه مشکلات و بحران‌های انسانی، در نزد خالق انسان است که او را از نیستی پدید آورد، جست‌وجو می‌شود؛ زمانی که انسان زندگی خود را به آنچه پیش از آن است یعنی خالق واجب‌الوجود، آنچه است پس از آن است یعنی آرزو یابنده می‌زند و بی‌تدریب، حقیقتی که این یابنده در محقق می‌سازد، همان وی عظیمی است که سرور پیامبران، محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم، آن را آورد؛ یعنی مکتب عظیم اسلام که دولت خلافت راشدانه آن را به اجرا درمی‌آورد، در سایه نظامی که مبتنی بر تأمین نیازها و کفایت است و تضمین می‌کند که نیازهای اساسی همه افراد رعیت و کل جامعه برآورده گردد؛ دولتی که در نور حق آشکار هدایت می‌شود و آتش کفار و مشرکان را خاموش می‌سازد و رهبری آن را رهبران ربانی بر عهده دارند که در راه الهی سجده‌نوعانند؛ از ملامت ملامت‌گران هراس ندارند. این است راه، ای مسلمانان!

شما را چه شده است شما، ای مسلمانان!؟

آیا هنوز به خیانته حاکمان و همدستی آنان با کفار و دشمنانان یقین نیافته‌اید؟ آیا هنوز علت این بلاهای شدید که در آن گرفتاریید را درنیافته‌اید؟ آیا هنوز راه درست‌رهایی از آنچه در آن بهسر می‌برید را ندیده‌اید؟ هر آن‌کس که شما که نماند، بداند که علت این بلاها بزرگ، غیبت حاکمیت اسلام و دولت آن است؛ همان خلافت بر منتهج نبوت است که پناهگاه است و دشمنانان از آن در هراس‌اند، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس جرأت نمی‌کند به فکر تجاوز به شما بپوشد؛ اما چون حکومت اسلام از میان رفت، بر گردن شما حکامی رزق، بی‌کفایت و مزدور مسلط شدند که منافع شما را در نظر دارند و نه به حفاظت شما از دشمنان‌تان اهمیتی می‌دهند، به‌قدر اهتمامشان بر حفظ کرسی‌های خود و خدمت به اربابان کافران، پس راه نجات شما تنها در رهایی از آن‌ها و برپایی خلافت بر منتهج نبوت است؛ تا شما را با اسلام کمری‌تان را متحد سازد برای آمات و تفرقه از شما و آزادسازی سرزمین‌هایتان و اسلام را به‌منوان پیامی از هدایت و نور برای همه مردم جهان حمل کند.

بی‌تدریبی، ای مسلمانان، شما بر این کار توانیدید؛ نه از نظر فکر دارید و نه از نظر تجهیزات و تا حدی از جهت زمین و رو از نظر انسان‌ها؛ اما چون این پروژه در میان شامست، محاب این پروژه در میان شام است و وعوضش از تکرار می‌کند، شب و روز تا او را یاری دهید و همراه با او، دولت خلافت بر منتهج نبوت را برپا کنید، از شر حکام ناپایق رهایی یابید، از سرزمین‌هایتان در برابر تجاوز دفاع کنید و هیبت، عزت و کرامت خود را بازیابید.

جنايات يهود در کرانه باختری؛ نسل‌کشی، سرکوب، کوچ اجباری و سستی مسلمانان

استاد عامر ابو الریش -ولایت مبارک (فلسطین)

کرانه باختری از زمان اشغال آن در سال ۱۹۶۷ م، در معرض برنامه‌های جنایت‌گرانه و هدفمند قرار دارد؛ برنامه‌ای که به‌وضوح و به‌صورت ملموس، هدف آن تبدیل این منطقه به مکانی غیرقابل‌زیست برای اهل فلسطین است. این برنامه، از زمان جنگ ژوئن ۱۹۶۷ م که در آن، نظام اردنی بدون هیچ‌گونه مقاومت واقعی، کرانه باختری و باقی‌مانده شهر قدس را تسلیم کرد، تاکنون با روش‌های مستمر و فزاینده ادامه داده شده است؛ با این تفاوت که جنایات یهود در سال‌های اخیر، بویژه پس از هتلم اکتبر ۲۰۲۳ م، به‌شکل چشمگیری سرزده گرفته و شدت یافته‌اند.

با نگاهی گذرا و بدون ورود به آمار و ارقام، فهرستی از جنایاتی را که اهل کرانه باختری در معرض آن هستند ذکر می‌کنیم؛ برخی از این جنایات به‌صورت روزمره و مداوم انجام می‌شوند و برخی دیگر در چارچوب تغییر تدریجی و انباشتی اوضاع قرار می‌گیرند:

۱- مرگ‌رژان و کودگان کرانه باختری روزانه به‌مدست ارتش یهود و شهروندان به قتل می‌رسند؛ با به‌پایانه هدف قرار دادن مسلمانان، و هسته‌های مسلح، یا مرفا با قتل ظفر، حتی اگر مسلح نباشند.

۲- سیاست تخریب خانه‌ها و آسیب‌هاست یا بستن و تخریب آن‌ها که اشغال‌گران در سراسر کرانه و قدس به‌کار می‌رند؛ گاه به‌پایانه ساختوساز بدون مجوز، گاه به‌پایانه امنیت یا نزدیکی به شهرک‌ها یا جاده‌هایی که یهود از آن استفاده می‌کند و گاه تحت عنوان مجازات دسته‌جمعی به‌پایانه مبارزه با تروریسم، و مابین آن، با تخریب یا بستن خانه‌های شهروندان، یا اسرا، این سیاست جنایت‌گرانه اخیراً به‌سختی پیاپی رسیده است؛ به‌گونه‌ای که خانه‌ها در اردوگاه‌های شمال کرانه تخریب، منقرض و به‌آتش کشیده شده‌اند، جاده‌های امنیتی در آن‌ها ایجاد شده و محورها و گذرگاه‌های مشابه محور نتساریم و فیادلفیا احداث کرده‌اند؛ علاوه بر تهدید چند روز پیش مبنی بر تخریب گدها خانه در اردوگاه‌های جدید در بیت‌احم.

۳- کوچ اجباری و تخلیه خانه‌ها و مملها با زور سلاح، تحت تهدید بمباران و تخریب خانه‌ها بر سر ساکنان آن‌ها، همان‌گونه که در اردوگاه‌ها و شهرک‌های شمال کرانه باختری در حال رخ‌داند است.

۴- بازداشت هزاران نفر که هیچ‌زن، کودک یا پیرمردی از آن در امان نمانده است؛ شمار زیادی از آنان تحت آنچه «بازداشت اداری» خوانده می‌شود و بدون معاینه زندانی شده‌اند و در شرایطی از سرکوب و شکنجه‌نگهداری می‌شوند که عقل انسان یاری تحمل آن را ندارد، بویژه پس از هتلم اکتبر ۲۰۲۳ م؛ نه‌غذایی جز آنچه انسان را تنها زنده نگاه می‌دارد، نه‌تخت و لباس‌هایی که از سرما محافظت کند و نه نور آفتابی که دیده شود. افزون بر



اینها، شکنستن استخوان‌ها و قتل اسرای درون زندان به‌تعداد صدها نفر نیز صورت می‌گیرد.

۵- قطعه‌قطعه‌کردن کرانه باختری با ایستگاه‌های بارزی نظامی که مردم فلسطین ساعت‌ها طولانی در آن‌ها در انتظار اجازه عبور می‌مانند. این در حالی است که ارتش اشغالگر، شهرهای کرانه و مجموعه روستاهای آن را به مناطق سستو و از هم جدا تبدیل کرده است، به‌گونه‌ای که ساکنان آن‌ها تنها از گذرگاه‌هایی مشخص که با این ایستگاه‌های بارزی بسته‌شده‌اند، می‌توانند رفت‌وآمد کنند. به‌منوان نمونه، عبور از شمال و مرکز کرانه به جنوب آن، بالعکس، تنها از یک گذرگاه ممکن است که «حاجز الکوتینیر» نام دارد؛ گذرگاهی که یک سرباز نگهبان می‌تواند بدون هیچ دلیلی آن را برای ساعت‌ها ببندد، افزون بر این، آنان از قدس و مسجدالاقصی جداشده‌اند و نه می‌توانند به آن دست یابند و نه در آن نماز بخوانند تا جایی که در کرانه باختری، نزدیک به سه نسل به‌طور کامل وجود دارند که قدم در قدس و مسجدالاقصی نگذاشته‌اند.

۶- فشار بلکه باید گفت فمکردن اقتصادی کرانه و بی‌بود آن برای مردم؛ شکنستن اهل کرانه و مشغول‌داشتن آنان به‌نقصه نان روزانه‌شان است؛ می‌کند؛ به‌گونه‌ای که معاش آنان با وابسته به کار بی‌یهود است، یا در اختیار تشکیلات خودگردان فلسطین که بر گردن و روزی آنان سلاطه دارد.

۷- گسترش مستمر و مداوم شهرک‌سازی و احداث شهرک‌های جدید؛ با این نکته که هر شهرک شامل یک طرح امنیتی است که چندین برابر مساحت خود آن شهرک است. تا جایی که هیچ نقطه‌ای در کرانه باختری یافت نمی‌شود، مگر این‌که در آن یا در نزدیکی آن یک شهرک یا پایگاه با جاده وجود دارد.

۸- حرکات سیاست شهرک‌سازی، سیاست مصادره پیوسته زمین‌های اهل کرانه نیز اعمال می‌شود و آنان حتی از دسترسی به زمین‌هایی که مصادره نشده‌اند نیز محروم شده‌اند؛ به‌اینجه مجاورت آن زمین‌ها با شهرک‌ها یا پایگاه‌های نظامی یا جاده‌هایی که یهود از آن استفاده می‌کند. تا جایی که بخش بزرگی از مردم، نه می‌توانند در آن زمین‌ها کشاورزی کنند و نه در آن‌ها بسازند و بیشتر موارد، حتی اجازه چیدن زیتون آن‌ها را ندارند، مگر با اجازه ارتش اشغالگر.

اشغال‌گر تنها به آنچه خود به‌صورت مستقیم انجام می‌دهد بسنده نمی‌کند، بلکه با پشتیبانی آمریکا، تشکیلات خودگردان را به ابزاری سرکوبگر بدل کرده که همان جنایاتی را علیه اهل کرانه مرتکب می‌شود که اشغال‌گر مرتکب می‌گردد؛ از محاصره معیشت و تعرض به نوامیس‌شان تا سرکوب، بازداشت، شکنجه، بلکه قتل و کوچ‌دادن آنان.

این جنایات و بسیاری دیگر، از زمان اشغال کرانه باختری تاکنون در حق مردم آن مرتکب می‌شوند و همچنان ادامه‌دارند و منتها با تغییر دولت‌های یهود از مذهبی استارکرا یا ایچ‌کرا تا ایچ‌کرا یا مینارو متوقف نمی‌شوند، بلکه حتی تخفیف نیز نمی‌یابند.

چراکه این جنایات، یک سیاست رو به افزایش است که همه دولت‌ها، به‌استثنا، در آن شریک بوده‌اند؛ حتی آن دولت‌هایی که به‌دروغ و به‌پنهان «میانرو» یا «شریک در روند صلح» نامیده شدند و به‌پاداش این جنایات‌شان، جایزه نوبل صلح دریافت کردند؛ بلکه این جنایات همواره و همچنان بویژه پس از هر روند سیاسی، یا ابتکار عمل یا توافقی که با تشکیلات خودگردان یا حکام مسلمانان امضا شود، شدت می‌گیرد و سرعت می‌یابد؛ مانند سرعت‌گرفتن شهرک‌نشینان پس از توافق کمپ دیوید با ممر در سال ۱۹۷۷ م و تشدید سرکوب و گشتار پس از اعدای استقلال سازمان آزادی‌بخش در سال ۱۹۸۸ م و افزایش جنایات پس از توافق اسلو یا سازمان در سال ۱۹۹۳ م و توافقی وادی عرب با اردن در سال ۱۹۹۴ م و شدت‌گرفتن قتل مردم فلسطین پس از مذاکرات کتبی دیوید دوم در سال ۲۰۰۰ م و یورش به کرانه باختری که هم‌زمان با آغاز ابتکار صلح عرب از بیروت در سال ۲۰۰۲ م صورت گرفت و چنین روندی ادامه داشته است.

این جنایات به‌شکل سازمان‌یافته و در برابر دیدگان گوش‌های نظام‌های سازمان‌اراده و همدست، صورت می‌گیرد؛ نظام‌هایی که اگر در آن مشارکت نداشته باشند، تنها به محکومیت و ابرار از جناح بی‌بمیر بسنده می‌کنند.

اما این جنایات زمانی برای مردم فلسطین دردناک‌تر است، سنگین‌تر می‌شود که با سکوت امت و نیروها و ارتش‌هایش روبه‌رو شود و زمانی‌که در رسانه‌ها، همچون خیره‌های روزمره و عادی منعکس می‌شود، بدون آن‌که واکنشی از سوی امت و ارتش‌هایش برانگیزد، مگر اندکی همبستگی و همدردی؛ با گاهی نه همیشه دعای

بائرا! کویی اهل فلسطین بخشی از این امت نیستند و برگردد آن حتی ندارند. خنجره‌های اهل فلسطین از فریاد به‌سوی امتشان خشکیده است و آنان هنوز فریاد می‌زنند و نایم نشده‌اند.

با وجود اینکه بسیاری از فرزندان امت، سال‌ها فریب دروغ‌های رزنده‌ها به‌اصطلاح صلح و سرگرمی مذاکرات پیوسته و مهلکه پناهن‌درن به کشورهای بزرگ و مشهور بین‌المللی را خورده‌اند و با وجود این‌که بسیاری دیگر نیز فریب‌خورده‌اند که حمایت کافی از سیاسی یا پشتیبانی از جهاد اهل فلسطین از دور کافی است، اما امروز این حقیقت به‌روشنی آشکار شده که هیچ راهی برای توقف این جنایات وجود ندارد، مگر با آزادسازی کامل فلسطین و این جنایات فریضه واجب بر دولت امت و نبوت‌های آن است و هیچ راهی برای تحقق این فریضه نیست، جز رهایی از سلطه این نظام‌هایی که بر امت چیره‌اند و رهایی از آن‌ها و شتاب‌کردن در شکستن موانع و سد‌ها و برداشتن مرزها، در یورش‌های امت و ارتش‌های آن در آن مشارکت کنند، برای آزادسازی همه فلسطین، قدس، اقصی، کرانه، غزه و هراتچه در سال ۱۹۴۸ م اشغال شده است.

با این‌که با تظاهرانی که به پراکندگی انجامد، تحقق نیابد و نه با دعایایی که پس‌از آن خواب آید و نه با تحریم و بسنده‌کردن به آن؛ بلکه تنها با یورش امت به کان‌های حکام تا آنان را سرنگون سازد و هجوم آن به یادگان اهل ارتش‌ها تا آنان را وادار سازد که با امت و بر پشتیبانی از امت، به حرکت درآیند و اگر امت و ارتش‌ها و نیروها و علمای آن، شتاب کنند در پاسخ به ندای کسی که آنان را به این امر فراخواند، در دنیا و آخرت کامیاب خواهند شد و الله سبحانه‌وتعالی آن‌ها را در زمین به داد و ستزیشنی برخواهد داشت، چنان‌که وعده‌ها را داده و آنان را از غیاب و از سستی جایگزینی که پیش‌تر حق سست‌کاران اعمال کرده، در امان خواهد داشت. «لا تفرؤوا بَعْدَکُمْ غَداً اَیْمًا وِیَسْتَجِیْلُ قَوْمًا یُغِیْرُکُمْ وَآ تَضْرِبُوهُنَّ یَضْرِبُهُنَّ وَآلَهُنَّ عُلُوْلٌ مِّنْ نَّسَبٍ قَدِیْرٌ»، «اگر به جهاد بیرون نروید، شما را به عدلی درندگ عذاب خواهد داد و قومی غیر از شما را جایگزین خواهد ساخت و شما به او زینتی نخواهید رساند؛ و الله سبحانه‌وتعالی بر هر چیزی تواناست.»